

اسکارهای امسال به چه کسانی می‌رسد ؟ (قسمت اول)

از ایستود ۹۱ ساله تا مکبث جاودان

وصال روحانی خبرنگار

با اینکه سه ماه و نیم تا اهدای جوایز «اسکار ۲۰۲۲» باقی مانده، اما با توجه به کیفیت فیلم‌ها و کلاس و نحوه کار سازندگان و بازیگران آثار شاخص امسال می‌توان از حالا فیلم‌هایی را تفکیک و روی آنها زوم کرد

که از بخت بیشتری برای تصاحب این مجسمه‌های طلایی برخوردارند. آنچه پیش روی ما قرار دارد، شود و چهارمین دوره اهدای این جوایز است که ابتدا کاندیداهای آن بالغ بر پنج نامزد در هر دره (منهای اسکار برترین فیلم که مشتمل بر ۱۰ فیلم می‌شود) در روز ۱۹بهمن معرفی می‌شوند و سپس برندگان در هر

یک از قسمت‌های ۲۴ گانه اسکار طی آیینی که مثل معمول در تالار «دالبی تئاتر» شهر لس‌آنجلس آمریکا در روز ۷ فروردین‌ماه ۱۴۰۱ سر می‌گیرد، چهره نشان خواهند داد. آنها به جمع ویژه‌ای می‌پیوندند که از سال ۱۹۲۷ یعنی زمان شروع اهدای این جوایز مورد گرامیداشت

گر به کن ماچو

در ۱۵ سال اخیر هر فیلم تازه‌ای از کلینت ایست‌وود عرضه شده، این آیه یاس هم به گوش خورده که این آخرین کار اوست و به سبب پیری فزاینده حتماً نزول درجات دارد و باید غزل خداحافظی را برای وی خواند اما فیلم جدید او به‌نام «گریه‌کن ماچو» (Cry Macho) تأکید تازه‌ای بر این نکته است که اگر هرکسی خیال تسلیم شدن مقابل جبر زمان را داشته باشد، ایست وود قطعاً از آن قماش آدم‌ها نیست. عجبا و باز هم عجبا که وی در ۹۱ سالگی هم که تقریباً تمامی همگان او روی در نقاب خاک کشیده یا دست‌کم بازنشسته شده‌اند، همچنان در حال تلاش و تحقیق و خلق ایده‌های تازه و مشغول فیلمسازی آن هم از نوع خوب آن است. این روند در تمامی این سال‌ها و بویژه دو دهه اخیر دائماً جریان داشته و هر یک از فیلم‌های پرتعداد او در این مقطع زمانی قدمی بلندتر به سمت جلو بوده و اگر بهتر از کار قبلی‌اش نبوده، عقب‌گرد آشکاری هم نداشته است. فیلم‌های او طی این ایام و حتی مؤخرترین آنها هم پرفروش بوده‌اند و هم منتقدان بر آن مهر تأیید زده‌اند به‌عنوان مثال «The Mule» در سال ۲۰۱۸ فروشی ۱۷۵ میلیون دلاری داشت و «ریچارد جونل» در سال ۲۰۲۰ از چنان کیفیت بالایی بهره می‌برد که کنتی بیئت کهنه‌کار برای بازی در آن کاندیدای اسکار شد. «تک تیرانداز آمریکایی» در سال ۲۰۱۴ هم گیشه‌ای ۵۵۰ میلیون دلاری داشت و هم کاندیدای جایزه اسکار برترین فیلم سال شد. فیلم جدید ایست وود هم وی را به یک وادی آشنا بازمی‌گرداند که ژانر وسترن است و هم در عرصه‌ای نا آشنا قرار می‌دهد

و آن به نمایش درآمدن فیلم او به طور همزمان در سالن‌های سینما و امکان دانلود آن در سایت «HBO Max» است که این بازیگر و کارگردان طی بیش از ۷۰سال حضورش در حرفه سینما هرگز آن را تجربه نکرده و همواره به راه سنتی‌تر پخش فیلم‌هایش در تماشاخانه‌های عمومی روی آورده بود و با این اوصاف «Cry Macho» برای وی یک عدول آشکار از اصول بزرگ و اولیه کارش به حساب می‌آید. همین نکته آخر است که میزان استقبال از فیلم تازه او را مبهم می‌سازد زیرا هم هواداران و هم دوره‌ای‌های ایست وود مثل خود او پیر شده‌اند و به همین سبب قادر به رفتن به سالن‌های سینما نیستند و ترجیح می‌دهند که



فیلم را به شیوه Streaming و در خلوت و راحتی خانه خود ببینند و هم سینما دوستان جوان با استاندارد پیر بودن او و با این تصور که وی ستاره عصر دیجیتال و لابد یک هنرمند مدرن نیست، با پرهیز از دیدن فیلم او به سوی آثاری می‌روند که از دیدگاه آنها مدرن‌تر باشد. با این حال ایست وود همیشه «ایست وود» است. همان مردی که هر چه پیرتر شده، فیلم‌های بهتری ساخته است و اگر دلار را ببینید و همین‌طور «پرچم‌های پدران ما» و «نامه‌هایی به ایووچیم» را که جملگی در دهه ۲۰۰۰ رو شدند و کاندیدا و برنده چندین و چند جایزه اسکار شدند.

بسته فرانسوی

وس اندرسون استاد فتح جوایز اسکار نیست و حتی یکی از این مجسمه‌های طلایی را در گنجه افتخاراتش ندارد اما با هفت بار نامزدشدن کارهای قبلی‌اش برای این جوایز معتبر از مسیر فتح اسکارها آنقدرها هم دور نبوده است و با این اوصاف باید نگاهی از سر تأیید و انتظار و احتیاط به کار اخیر وی انداخت که به سبب مشکلات کرونایی یک سال و نیم در اکران آن تأخیر افتاده ولی حالا که‌گذرا این فیلم به «اسکار ۲۰۲۲» افتاده و در چنین مسیری قرار گرفته، می‌توان (و باید) هر چیزی را در ارتباط با آن انتظار کشید.

این توقع زمانی قوت بیشتری می‌یابد که درنظر بگیریم چه مجموعه قوی و پرتعدادی از بازیگران نام‌آشنای سینمای جهان در «The French Dispatch» حاضرند و مضمون این فیلم ادای احترام به سنن اولیه و اصول کلاسیک حرفه روزنامه‌نگاری است.

اتفاقات این فیلم و یک روزنامه و البته در شهری خیالی در فرانسه روی می‌دهد اما این‌گونه وقایع می‌تواند به شکلی حقیقی نیز در هر جمع ژورنالیستی و برای هر خبرنگاری دیدگاه آنها مدرن‌تر باشد. با این حال ایست وود همیشه «ایست وود» است. همان مردی که هر چه پیرتر شده، فیلم‌های بهتری ساخته است و اگر دلار را ببینید و همین‌طور «پرچم‌های پدران ما» و «نامه‌هایی به ایووچیم» را که جملگی در دهه ۲۰۰۰ رو شدند و کاندیدا و برنده چندین و چند جایزه اسکار شدند.

تراژدی مکبث

کمپانی «۸۲۴» پس از فقط چند سال فعالیت اینک به چنان درجاتی رسیده که می‌تواند فیلم‌هایی را رو یا در روند توزیع آنها نقش اول را ایفا کند که در حد کاندیدایی جوایز اسکار و حتی تصاحب آنها هستند و فیلم «میناری» که سال پیش هم نامزد برترین فیلم شد و هم کاندیدای بهترین کارگردانی، نمونه روشن این روند است.

در سال‌های قبلی نیز «۸۲۴» حامی مالی و پشتیبان کارهایی چون «لیدی برد» و «مهتاب» بود که فیلم‌هایی کم هزینه بودند اما کاندیدای مجسمه‌های طلایی اسکار و درنهایت برنده آن شدند که اسکار نقش دوم مرد برای «ماهرشالا علی» به سبب درخشش او در «مهتاب» یکی از پیامدهای عالی این روند بوده است.

به این ترتیب این استودیوی کم‌سابقه رقیب بزرگ کمپانی‌های پرسابقه‌ای شده است که قانوناً باید حامیان درجه اول فیلم‌های مستقل و کم هزینه و وسیله و مقدمه‌ای برای درخشش آنها باشند.

جدیدترین کاری که «۸۲۴» رو کرده و از غفلت استودیوهای بزرگ‌تر در این راه سود جسته، نسخه تازه‌ای از «مکبث» نمایشنامه جاودان ویلیام شکسپیر است و همکاری سران این استودیو با شبکه تلویزیونی اپل در راه ساخت و ارائه این نسخه چنان موفق بوده که امکان ندارد در زمان اعلام نامزدهای اسکار امسال نام و نشانی از عوامل تولید این فیلم نیابد.

مهم‌ترین حسن و پشتوانه و پایه قدرت این فیلم تهیه و کارگردانی آن توسط زوج کارکشته برادران کوئن (جوئل و اتان) است و آنها برای بخشیدن هرچه بیشتر تصور و تجسم کارهای کلاسیک به نمایش شکسپیر که البته خود یک شاهکار ادبی است، این نسخه مکبث را نه به‌صورت رنگی بلکه به شکل سیاه و سفید تصویربرداری کرده‌اند.

دیگر نقطه قوت بزرگ «تراژدی مکبث» حضور بازیگرانی قوی و مسن همچون دنزل واشینگتن و فرانسیس مک دورماند در نقش‌های

تقدم و تأخر نام‌هایی که می‌آید، به معنای شانس بیشتر فیلم‌هایی نیست که در یکی دو قسمت اول مطلب نامشان ذکر می‌شود و فقط کیفیت این آثار و میزان توفیق آنها در رساندن پیام مورد نظرشان است که سرنوشت این فیلم‌ها و هنرمندان را رقم خواهد زد.

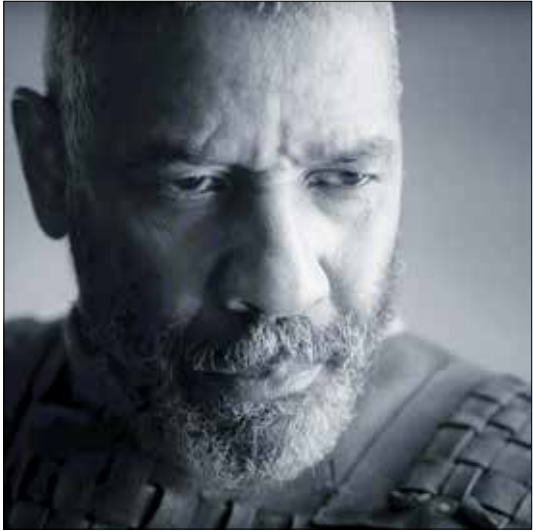
این درحالی است که همین هنرمندان و فیلم‌ها در ماه‌های پیش‌رو در مسیر فتح سایر جوایز مهم پایانی سال هم که شامل گلدن گلوب، بافتا و سزار هم می‌شود، قرار می‌گیرند و سرنوشت‌شان در آیین‌های اهدای این جوایزی تأثیر در جایگاهشان در محاسبات اسکار نخواهد بود.



دیالوگ‌هایی که توسط وس اندرسون نوشته شده و هنر بازیگری بیل موری، فرانسیس مک دورماند، بنی چیو دل تورو و تیلدا سووین تون بر تجربه و تیموتی چلامت و سائورسی رونان جوان سلاح‌هایی کافی برای کاندیداشدن این هنرمندان و فیلم اندرسون در برخی شاخه‌های اسکار امسال به حساب می‌آید. سرنوشت ناپایدار یک روزنامه در اعصار مدرن نیز به خودی خود موضوعی جالب از دیدگاه رای‌دهندگان پرتعداد آکادمی علوم سینمایی و هنرهای تصویری به شمار می‌رود.

گذشته به بهترین‌های این حرفه انجام می‌گیرد. سرچ لایت در سال ۲۰۱۷ هم فیلم غیرمتعارف و تحسین شده «شکل آب» را در رقابت اسکار حاضر داشت که جایزه بهترین فیلم را گرفت و گی‌یرمو دل تورو می‌گزینی که آن فیلم را ساخت، امسال هم فیلم جدیدش به‌نام «کوچه کابوس‌وار» را تحت حمایت سرچ لایت قرار داده ولی سران این کمپانی قطعاً رجحان آشکاری را برای هیج یک از این دو فیلم قائل نمی‌شوند و حمایتی یکسان را شامل حال هر دو فیلمی نمی‌کنند.

اگر هم این حمایت کافی نباشد،

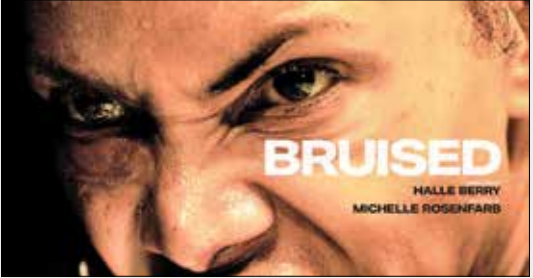


اصلی است و با توجه به اینکه این دو هنرپیشه مجموعاً پنج جایزه اسکار برده‌اند، می‌توان انتظار نمایش‌هایی را در این فیلم کشید که واقعا شکسپیروار باشد و بوی سنن کلاسیک را بدهد. البته حضور مک دورماند در این فیلم هیچ تعجبی را برنمی‌انگیزد زیرا این بازیگر صاحب سه جایزه اسکار (در شاخه بهترین هنرپیشه زن سال) در زندگی واقعی همسر یکی از برادران کوئن است و پای ثابت شماری از فیلم‌های آنان بوده و اسکار اول خود را نیز در سال ۱۹۹۶ برای فیلم پلیسی – جنایی «فارگو» گرفت که ساخته این دو برادر است.

زخمی

این اولین فیلم هاله بری هنرپیشه سپاهپوست زن آمریکایی در مقام یک کارگردان است و او به‌خوبی توانسته است از عهده کار برآید. وظایف دوگانه او به‌عنوان فردی که پشت دوربین می‌ایستد تا طراح اتفاقات باشد و فرد دیگری که نقش اول فیلم را نیز ایفا می‌کند، بر گرفتاری‌ها و مشکلات او در این فیلم افزوده اما پردازش قوی موضوع و بازی خوب هاله بری مقابل دوربین و البته پرهیز از ناشیگری در اولین مرتبه کارگردانی، وی را از منظر کارشناسان روسفید کرده است ولی باید دید مردم در زمان اکران عمومی فیلم چه می‌گویند و نظر سران آکادمی اسکار چیست. «زخمی» درباره یک ورزشکار زن حاضر در رشته رزمی «MMA» است که پسرچرخه نوزادش را رها کرد تا بتواند هرچه بیشتر در رشته انتخابی‌اش بدرخشد اما سال‌ها بعد که این فرزند در هیأت یک مرد جوان به زندگی او ورود می‌کند، شرایط این زن به هم می‌ریزد و صاحب وجوه تازه و غیرآشنایی می‌شود.

در سناریو اولیه این فیلم زن مبارزه‌گر مورد بحث یک سفیدپوست توصیف شده اما پس از تغییر تبار او به یک سپاهپوست بری مصمم به ایفا این نقش و در دست گرفتن این کاراکتر توسط خودش شد. «زخمی» اول بار در جشنواره تورونتو ۲۰۲۰ به نمایش درآمد اما کمپانی نت فلیکس که متوجه شده بود این فیلم پتانسیلی قوی دارد و می‌تواند در مسیر فتح اسکارها یا سایر جوایز مهم سینمایی قرار گیرد، امتیاز توزیع آن را خریداری و فیلم را تا پاییز امسال بایگانی و سرانجام در اواسط آبان ماه اکران کرد. با این حال آکادمی علوم سینمایی و هنرهای تصویری معمولاً به نخستین



فیلم‌های کارگردانان زن بی‌اعتنایی و حتی در صورت کیفیت بالای آن کارها این هنرمندان را به گونه‌ای سرکوب می‌کند و شاید با بری نیز برخوردی از همین دست داشته باشد. هر چه هست، نام هاله بری پس از چند سال سکوت و سکون نسبی با عرضه و توفیق «Bruised» از نو بر سر زبان‌ها افتاده و بعید است که سایه او و این فیلم با ابعاد وی ولو کوچک روی جوایز مهم امسال نیفتد و در شب توزیع جوایز احساس و رؤیت نشود. فراموش نکنیم که توصیف زندگی یک مبارزه‌گر زن سر سخت که از هیچ چیز نمی‌هراسد و ترسیم زخم‌های روحی و جسمانی وی و فراز و فرودهای دراماتیکی که با زندگی وی آمیخته، از مضامینی است که آکادمی اسکار آن را دوست می‌دارد و آن را یک آپیک ولو کوچک می‌انگارد.



می‌کوشد شکل خانواده‌اش را در شهر بلفاست و در یک شرایط سخت اجتماعی و اقتصادی حفظ کند، دیگر نقطه قوت این فیلم است و شاید او هم نامزد اسکار شود.

و یوچونگ یون در «میناری» بوده‌اند و دنچ اگر از آنها بهتر ظاهر نشده باشد، قطعاً ضعیف‌تر هم عمل نکرده است. در عین حال بازی «کایت ریونا بالفی» در نقش مادر مصممی که

بلفاست

این فیلم با کارگردانی کنت برانا کاری تقریباً زندگینامه‌ای و پیرامون دوران رشد خود او در ایرلند شمالی در دهه ۱۹۶۰ و اتفاقاتی است که طی آن ایام برای او و خانواده‌اش روی داد.

برانا با کارهای پرشمار قبلی‌اش پنج بار کاندیدای اسکار شده و اگر هم امسال نامزدی تازه‌ای را بابت «بلفاست» کسب نکند، شاید جودی دنچ مسن و معتبر و پرسابقه را که از بازیگران اصلی این فیلم است، در سایه نمایش قوی وی به سوی دومین اسکار عمر طولانی هنری وی رهنمون کند؛ چیزی که این احتمال را قوت می‌بخشد، این مسأله است که آکادمی اسکار در سنوات اخیر جوایز متعددی را به ایفاکنندگان نقش مادر بزرگ‌ها در فیلم‌های خانوادگی و احساس برانگیز اهدا کرده یا آنها را کاندیدای اسکار کرده و «بلفاست» دربردارنده چنین مادر بزرگی با بازی درخشان تازه‌ای از سوی جودی دنچ است. جدیدترین نمونه مادر بزرگ‌های تحسین شده در فیلم‌های هالیوودی گلن کلوز در فیلم «افسانه هیل بیلی»